

ناسیونالیسم در ایران

ریچارد کاتم

مترجم: احمد تدین

با مقدمهٔ دکتر حاتم قادری

فهرست

پیدایش و پدیداری ناسیونالیسم

مقدمه مترجم

مقدمه مؤلف

پیشگفتار

- ۱- زمینه ۱
- ۲- مبنای منسجم ناسیونالیسم ۱۷
- ۳- مبنای اجتماعی ناسیونالیسم ۳۱
- ۴- ناسیونالیسم و ایلات و عشایر ۵۳
- ۵- ناسیونالیسم کرد در ایران ۷۱
- ۶- ناسیونالیسم و اقلیت های مذهبی ۸۵
- ۷- ناسیونالیسم و گرایش های خاص منطقه ای ۱۰۵
- ۸- جنبش های جدایی خواهانه ۱۱۹
- ۹- آذربایجان: ایالت یا ملت؟ ۱۴۱
- ۱۰- ناسیونالیسم مذهبی و وحدت اسلامی ۱۶۳
- ۱۱- امپریالیسم در بدو پیدایش: تکوین اسطوره ناسیونالیستی ۱۹۳

- ۲۲۵ — ۱۲- امپریالیسم و ناسیونالیسم: رویارویی
- ۲۶۱ — ۱۳- امپریالیسم نو: احیای اسطوره ناسیونالیستی
- ۳۰۹ — ۱۴- ناسیونالیسم لیبرالی: پیدایش وزوال
- ۳۲۹ — ۱۵- ناسیونالیسم لیبرالی: پیروزی کم دوام
- ۳۶۳ — ۱۶- ناسیونالیسم «مثبت» و دیکتاتوری سلطنتی
- ۳۹۵ — ۱۷- ناسیونالیسم لیبرال: آینده
- ۴۰۵ — ۱۸- پانزده سال بعد

زمینه

آن گروه کوچک انگلیسی که در ۱۸۹۰ (۱۲۶۹ خورشیدی) امتیاز انحصار تجارت تنباکو در ایران را به دست آوردند باید صمیمانه از خودشان سپاسگزار باشند. به مدت بیش از نیم قرن شاهان قاجار به خصوص در سال‌های بعد از ۱۲۵۰، منابع ایران را به راحتی در اختیار سودجویان آزمند بیگانه و خاصه اتباع روس و انگلیس گذاشته بودند. امتیاز تنباکو آخرین و — اگر اجرا می‌شد — یکی از پرسودترین امتیازها از نوع خود بود که در ایران به اتباع خارجی واگذار می‌گردید. شاهان قاجار و خاصه ناصرالدین شاه واگذاری امتیاز به خارجیان را ساده‌ترین راه کسب درآمد برای خزانه دولت می‌دانستند. هزینه‌های دربار قاجار سر به آسمان می‌کشید خاصه اینکه ناصرالدین شاه به سفر اروپا به عنوان وسیله تفریح و خوش گذرانی علاقمند شده بود و وزیران او نیز راه دیگری را برای کسب درآمد سراغ نداشتند. بخصوص که در این شیوه کسب درآمد، خطر چندانی استقلال ایران را تهدید نمی‌کرد و دولتمردان وقت

ایران هم نهایت احتیاط را به خرج می‌دادند تا موازنه قوا به نفع یکی از دو دولت روس یا انگلیس به هم نخورد. امتیاز تنباکو هر چند در آغاز از نظر دربار ایران و گیرندگان امتیاز، مشکلی نداشت اما نقطه عطفی در تاریخ ایران شد. در تاریخ طولانی و گاه شکوهمند ایران، ادواری هم وجود داشته که تمامی جهان متمدن به شاهنشاهی ایران با دیده احترام می‌نگریسته است. حتی در اواخر سده هجدهم میلادی قوای نادرشاه افشار توانست هندوستانرا تسخیر و دهلی را تاراج کند. برعکس، دوره‌هایی نیز در تاریخ این سرزمین هست که بیگانگان با نظر ترحم به ایران نگاه کرده‌اند، ناصرالدین شاه به خوبی می‌دانست که کشور او در وضعیت اخیر است. پویایی توسعه طلبی روسیه تزاری در سده ۱۹ موجب شد تا روسیه به آسیا توجه کند و سرانجام با ایران هم مرز و همسایه شود. ابتدا از طریق قفقاز و در سمت چپ دریای مازندران و بعد به آسیای میانه و در سمت راست دریا پیشروی کرد و به مرز ایران رسید. اشتیاق روس‌ها چه در زمان رژیم تزاری و چه در زمان حکومت شوروی، رسیدن به آب‌های گرم خلیج فارس بوده و این مسأله همیشه آنها را وسوسه می‌کرده است. می‌پرسیم پس چرا با وجود ضعف دودمان قاجار، روس‌ها در سده نوزدهم در مرزهای ایران متوقف شدند در حالی که مانعی جز ایرانیان رخوت زده و به خواب رفته در سر راه ارتش تزار وجود نداشت؟ شاید عده‌ای فکر کنند دولتمردان زیرک و سیاستمدار ایران به یاری ارتش پر قدرت کشور راه ارتش تزار به جنوب را سد کرده بودند اما واقعیت این است که نه چنان ارتشی وجود داشت و نه دربار قاجار چنان دولتمردانی می‌پروراند. آنچه مانع از پیشروی ارتش تزار شد حضور فعال انگلستان در منطقه بود. انگلیس‌ها نگران آن بودند که پیشروی روس‌ها راه تجارت به هندوستان را مسدود سازد و هند را از چنگ آن کشور خارج نماید و همین امر باعث شد تا آنها جلو قوای روس بایستند. استقلال ایران در گرو خواست این دو قدرت بزرگ وقت بود. هیچ‌یک از دو قدرت نمی‌توانست پیشروی کند مگر اینکه خطر درگیری جنگی با قدرت دیگر را بپذیرد و استقلال ایران هم مرهون رقابت مسالمت آمیز

این دو قدرت بود.

حال که روس و انگلستان در زمینه اقدام نظامی در ایران، دستشان بسته بود، رقابت خود را به قلمرو اقتصادی کشانیدند. در سال ۱۸۷۲ (۱۲۵۹ خورشیدی) بارون جولوس فون رویتر، از اتباع بریتانیا، امتیاز بهره‌برداری از منابع معدنی ایران را به دست آورد، دامنه امتیاز به قدری وسیع بود که پیشرفت اقتصادی آینده کشور در گرو آن بود. یک سال بعد امتیاز مزبور ملغی شد اما علت الغای امتیاز، قیام دسته جمعی ایرانیان نبود بلکه مخالفت روسیه عامل الغای قرارداد شد. روسیه امضای این قرارداد را تهدیدی علیه منافع خود می‌دانست. بعد از این تاریخ امتیازهای کوچکتری داده شد اما چون تعادل قوا را به نفع هیچ‌یک از دو دولت برهم نمی‌زدند با آنها مخالفتی نشد. واگذاری امتیاز تنباکو در ۱۲۶۹ به یک کمپانی انگلیسی یکی از مهم‌ترین اقلام مصرف داخلی را در اختیار اجنبی می‌گذاشت بنابراین روس‌ها سر به مخالفت برداشتند و با انجام مانورهایی سعی کردند مانع اعطای امتیاز بشوند و حتی بعد از اعطای امتیاز نیز به مخالفت خویش ادامه دادند. شرکت انگلیسی خیالش راحت بود چون ایران در صورتی می‌توانست قرارداد امتیاز را لغو کند که غرامت زیادی به شرکت بپردازد. اما امتیاز ملغی شد و هر چند روس‌ها در این شکست رقیب فعالانه سهم بودند. اما کمک آنان در الغای امتیاز چندان تعیین کننده نبود. نقش بزرگ را در این نمایش، عامل جدیدی ایفا کرد. عاملی که تازه در صحنه سیاسی ایران ظاهر شده بود. ناصرالدین شاه و شرکت انگلیسی وجودش را حتی در خواب هم نمی‌توانستند تصور کنند. این عامل همانا افکار عمومی خشمناک و طغیان زده توده‌های مردم ایران بود. نخستین واکنش‌های مردمی ناشی از غرور زخم خورده ملی نبود بلکه احساسات جریحه دار شده مذهبی بود مردم از آن نگران بودند که تنباکوی مصرفی آنان با دست‌های ناپاک غیرمسلمانان شرکت، آلوده شود. اما نیروهای ناسیونالیستی ایران — که حالت جنینی داشتند — فعلاً نه مشارکت کردند و از این به بعد تاریخ ایران در روندی بی‌برگشت به سوی جاده تغییر گام